

چرا در آخر هر جمله‌ای که می‌گوییم // تو ای نشانه پرسش نشسته‌ای به کمین؟ (بررسی کنش کلامی پرسش در اشعار قیصر امین‌پور)

سمیه حاجتی^۱

چکیده

جملات پرسشی از معمول‌ترین مؤلفه‌های دستور زبان است. از آنجا که شعر گستره‌ای از افکار و احساسات گوناگون را در بر دارد رابطه میان مقوله دستوری و منظوری در آن همیشه مستقیم نیست. نظرات گسترده‌ای در باب مفاهیم ضمنی جملات ذیل نظریه کنش‌های کلامی ارائه شده است. از میان آنها نظریه پل‌گرایس و جان سیرل بیشتر به معنای مستقیم و غیرمستقیم گزاره‌های زبانی و آراء ریچارد اُهمان و لوئیز پرت بر انعکاس کاربرد گزاره‌هایی مانند اظهارکردن، دستوردادن، سؤال کردن، قول دادن و... در متن ادبی و استنباط مفاهیم تلویحی خوانندگان از آنها معطوف است.

این پژوهش به رمزگشایی مفاهیم جملات پرسشی در اشعار قیصر امین‌پور با تأکید بر نظرات گرایس و اُهمان می‌پردازد. جملات پرسشی در اشعار امین‌پور کمتر در معنای صریح به کار رفته‌اند و توان منظوری آنها چند بعدی است. بیشترین معنای تلویحی که برداشت می‌شود شامل: دعوت خواننده به تعمق و تفکر، شکایت از روزگار، عجز و ناتوانی از پاسخ به امور است.

واژگان کلیدی: جملات پرسشی، کنش کلامی، زمینه، مفهوم ضمنی

۱- مقدمه

۱-۱- درآمد

زبان را اغلب قراردادی برای ایجاد ارتباط تعریف می‌کنند، نظامی که پیام‌ها را منتقل می‌کند. ارتباط، به دلیل اینکه واژگان، دارای معنا و مفاهیم به خصوصی در چارچوب یک نظام هستند، می‌تواند القاکننده پیام باشد از این رو برای توصیف نظام زبان لازم است مفاهیم و معانی نیز مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به این امر می‌توان گفت اطلاعات معناشناختی مکمل دستور زبان است و مطالعه واحدهای زبانی و اصول حاکم بر آنها، بدون پرداختن به معنا و کاربردها به هنگام گفتگو و ایجاد ارتباط، ناقص خواهد بود (نک، آکماچین و دیگران، ۱۳۷۵: ۲۷۷ - ۲۷۶).

در مطالعات زبان‌شناختی نیز می‌توان به جای بررسی ساختار نحوی و ترکیبی واژه‌ها و جملات، به کاربرد زبان و کنش‌های کلامی پرداخت و چگونگی اطلاع‌دهی، پرسش، هشدار، نصیحت، اندیشه، گزارش، امر، توضیح و... را در آنها تحلیل و بررسی کرد (نک: صفوی، ۱۳۷۷: ۹۹).

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، Hajati64@yahoo.com

کنش کلامی در کنار نظریه‌هایی چون نشانه - معناشناختی، هرمنوتیک، نقش‌گرایی هالیدی، تحلیل‌گفتمان و... از رویکردهایی است که در حوزه معنا و مفاهیم ساختارهای زبانی ارائه شده است. نظریه کنش کلامی^۲ در سال ۱۹۵۹ - ۱۹۳۹ توسط جان آستین شکل گرفت در نظریه او فرض پایه‌ای بر این است که کلمات می‌توانند کنش باشند. پس از وی زبان‌شناسان دیگر به بازبینی کار او پرداختند و آن را شرح و بسط دادند. جان سیرل نگرش‌های جدیدی در این زمینه ارائه نمود و آراء پل‌گرایس نیز درباره معانی ضمنی تأثیر بسزایی در تعیین سمت و سوی حرکت، بسط و گسترش نظریه کنش کلامی داشت. مدلی که نظریه کنش کلامی از زبان ارائه می‌کند، نگرشی در باب کاربرد و معانی گزاره‌های زبانی در بافت است. بررسی زبان با این رویکرد در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، ارتباطات و نقد ادبی مطرح است.

در حوزه کنش‌های کلامی مؤلفه‌هایی چون گفته‌های کرداری، گفته‌های اظهاری و تقسیم کنش‌ها به «کنش بیانی»، «کنش کارگفتی» و «کنش القایی» از سوی آستین مطرح شد و انواع کنش‌های بازنمودی، رهنمودی، تعهدی، اخباری و بیانگری و تفکیک کنش‌های کلامی مستقیم و غیرمستقیم در زبان توسط جان سیرل طرح گردید.

پل‌گرایس ضمن بررسی موضوع بیان غیرمستقیم در زبان بر روشنگری در باب معانی تلویحی یا غیرمستقیم پرداخت و آنها را «تلویحات مکالمه‌ای» نامید. آستین و سیرل بیشتر تأکید بر شرایط مناسب حاکم بر تولید و بازشناسی کنش‌های کلامی خاص دارند و به تشریح آنها می‌پردازند ولی گرایس از اصل «مشارکت زبانی» حاکم بر رفتارهای زبانی سخن می‌گوید که کنشگران (مخاطب، خواننده، بیننده و...) در مبادله کلامی (شعر، متن، گفتگو و...) انجام می‌دهند.

در این راستا دیدگاه آهمان بیشتر معطوف به ادبیات است. او بر بافت و گفتمان خاص گزاره‌ها در دریافت معنا و توان منظوری آنها که با تجربه و ذهنیت خوانندگان در ارتباط است توجه و تأکید دارد. در گفتمان ادبی مخاطب بار معنایی و مفهومی کلام را در موقعیتی که در ذهن، از بافت و زمینه گفتار متصور می‌شود استنباط می‌کند و از این رو مفاهیم و برداشت‌های چندگانه‌ای در خوانش ادبی شکل می‌گیرد. چالز آلتری‌یری و دیگران نیز شعر را به مثابه کنش می‌دانند و بر مدل آهمان در مورد شعر تأکید می‌کنند (نک: مکاریک، ۱۳۹۰: ۲۳۷ - ۲۴۱).

مفاهیم ضمنی و چندگانه در حوزه ارزش‌های اجتماعی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و فردی قرار دارند. خوانندگان، بینندگان و... ممکن است معانی ضمنی دیگری به جز مفاهیم مورد نظر شاعر (مؤلف، فرستنده و گوینده) را شناسایی و برداشت کنند از این رو کنش‌های کلامی نیز دارای ماهیت و منشی چندمعنایی^۳ هستند به عبارتی می‌توان آنها را در معرض تفسیر و تعبیرهای متعدد قرار داد که با نظریات نشانه‌شناسان اجتماعی که بر تنوع برداشت و تفسیرها پرداخته‌اند همسانی و قرابت دارد (نک: ضیمران، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

در ساختار و قالب شعری، مفاهیم ثانوی بر مفاهیم و ساختارهای زبان چیرگی می‌یابند و حوزه‌های معنایی مختلفی را در بر می‌گیرند که متناسب با تجربه، ذهنیت و دانش خوانندگان به تولید معنا منجر می‌شود. در واقع می‌توان گفت دستور یک زبان توانش زبانی آن را توصیف می‌کند و دستور زبان شعر نیز می‌تواند توانش شعری شاعر را نمایان کند (نک: بی‌پرویش، ۱۳۷۴: ۱۸۰).

۱-۲- زمینه‌ها و عوامل

قیصر امین‌پور (۱۳۸۶-۱۳۳۸) یکی از شاعران موفق معاصر ادب فارسی است که آثارش مورد استقبال فراوان منتقدان و خوانندگان جامعه ادبی و غیرادبی واقع شده است این امر حاکی از برجستگی زبانی و محتوایی اشعار وی است. امین‌پور توجه ویژه‌ای به امکانات زبانی دارد و از شگردهای گوناگون زبان در آثارش استفاده کرده است. عناصر زبانی، ایماژهای شاعرانه و دیگر ساحات شعر در خدمت اندیشه متعالی شاعر قرار دارند (نک: اقتصادی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۶). مقبولیت و محبوبیت اشعار قیصر امین‌پور و تجدید چاپ‌های مکرری که از آثار وی صورت گرفته است از دلایلی است که بستری مناسب برای پژوهش درباره اشعار او را فراهم می‌کند.

امین‌پور در بسیاری از سروده‌هایش با نگاهی جستجوگر و کشف‌آمیز - که لازمه نگرش خلاق و هنری است - به پرسشگری در عرصه مسائل انسان و مناسبات انسان معاصر با جهان و حقیقت می‌پردازد. پرسش‌های او نیز چونان پرسشگری‌های اذهان فلسفی به پاسخ‌هایی قطعی دست نمی‌یابد و گاه به هیچ می‌رسد:

- اگر چه پرسش بی‌پاسخی است، می‌پرسم: چرا همیشه چنان و چرا همیشه چنین؟ (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۵۳).

مایه‌های فلسفی در اشعار امین‌پور به طور گسترده و با زبانی ساده بیان شده است و سایر مضامین اشعار وی چون درد و رنج، گذار روزگار، عشق را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. فلسفه با پرسش و پرسشگری پیوند تنگاتنگی دارد و بنا بر تعریف برتراند راسل فلسفه «دانش پرسش‌ها» است؛ پرسش‌هایی که بیشتر به پاسخی محتوم نمی‌رسند. بنابراین بین مؤلفه پرسش و مضامین فلسفی در اشعار امین‌پور پیوستگی وجود دارد و می‌توان گفت بیشتر گزاره‌های پرسشی اشعار او ساحات یقین و جزمیت شعر او را در می‌نوردد و خواننده را در گستره‌ای از گزینه‌هایی یحتمل - و نه قطعی - به مشارکت می‌خواند.

- هزار شاید و آیا به جای یک باید گمان کنم به گمانم نشسته جای یقین (همان: ۵۲).

ویژگی عدم قطعیت معنا و مفهوم در شعرهای امین‌پور را می‌توان با تعریف‌هایی که از حوزه کنش‌های کلامی و منظورشناسی ارائه شده است تطبیق داد که بر برداشت، تعبیر و تفسیر گفته از جانب شنونده یا خواننده تأکید دارند یعنی گوینده نیتی را در سر دارد و آن را به شیوه‌ای ارائه می‌دهد و خواننده از آنچه مطرح شده مفاهیمی را دریافت می‌کند؛ آنچه توسط خواننده دریافت می‌شود لزوماً مطابق با فکر و نیت گوینده نیست (نک: یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

۲- اهداف پژوهش

پژوهش حاضر به بازتاب چگونگی بهره‌گیری امین‌پور از کنش پرسش به عنوان ابزار بیان اندیشه و انتقال معنا و پیام و اینکه اصل توانش معنایی کنش‌های کلامی در مورد اشعار امین‌پور در جهت بیان چه مفاهیمی است، اختصاص دارد همچنین در این بررسی بر مفهوم مسلط کنش‌های سؤالی تأکید و توجه شده است که ضمن نشان دادن قدرت زبان شاعر، در شناخت بهتر و بیشتر آثار وی نیز راهگشاست و می‌تواند دلایلی از مقبولیت و محبوبیت اشعار امین‌پور را نمایان سازد.

داده‌های پژوهش برگرفته از شش دفتر شعر «گلها همه آفتابگرداند» (۱۳۸۰)، «دستور زبان عشق» (۱۳۸۶)، «آینه‌های ناگهان» (۱۳۷۲)، «به قول پرستو» (۱۳۷۵)، «تنفس صبح» (۱۳۶۳) و «مثل چشمه مثل رود» (۱۳۶۸) است.

۲- پیشینه پژوهش

درباره نظریات معطوف به معانی ضمنی در شعر سه مقاله با عنوان «نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ» مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۱، تابستان ۱۳۸۱ (ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی)، «منظورشناسی جملات پرسشی در اشعار اخوان ثالث» مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۱، بهار ۱۳۸۱ (ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی) و «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی»، فصلنامه کاوش‌نامه، سال ۱۰، ش ۱۹، ۱۳۸۸ چاپ شده است. درباره آثار قیصر امین‌پور نیز پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که بیشتر معطوف به حیطه محتوایی اشعار اوست. پژوهش در حوزه زبان به ویژه کنش‌های کلامی در اشعار او بسیار کم مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است.

۴- روش پژوهش

روش پژوهش در این جستار تحلیل محتواست. روش تحلیل محتوا در مورد انواع گوناگون متون مضبوط و مکتوب به کار می‌رود. در هنگام تحلیل محتوا فرض بر این است که شکل و فراوانی نمادها شاخصی برای نشان دادن نگرش‌ها و نظام ارزشی نویسنده و ابزاری برای تأثیرگذاری بر مخاطبان است (نک: باردن، ۱۳۷۵: ۳۷-۳۵). رویکرد تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و الکترونیکی است.

۵- کنش‌های کلامی

جمله یکی از متداول‌ترین مقوله‌های زبانی است و در دستور زبان فارسی به سه دسته کلی خبری، امری، پرسشی تقسیم می‌شود که به ترتیب برای اخبار، پرسش و فرمان کاربرد دارد این بُعد از جملات در نظریه کنش کلامی کمتر مورد توجه است. بر پایه نظریه کنش‌گفتاری آستین کنش‌های کلامی در موقعیت‌های مختلف در بردارنده سه کنش مرتبط به هم‌اند نخست، کنش بیانی یا گزاره‌ای؛ یعنی بیان طاهری گفتار که به منزله کنش اصلی یا تولیدکننده کلام معنادار زبانی به شمار می‌آید. دوم کنش منظوری یا غیرگزاره‌ای: کنش‌های گفتاری معمولاً بدون هدف و منظور تولید نمی‌شوند بلکه ایجاد آنها کارکردی را نیز در پی دارد. در طبقه‌بندی این بُعد از کنش‌های کلامی کارکردهایی مانند تقریری، توصیف: بیان واقعیت، تصدیق، شرح و توضیح و... بیان احساسات شامل حالات روانی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت و...، ارشادی: درخواست‌ها، پیشنهادها، توصیه‌ها، الزام‌آور یا تعهدی مطرح است. سوم کنش تأثیری یا انتاجی؛ یعنی تأثیری که گوینده با استفاده از جمله بر شنونده می‌گذارد (نک: رحیمیان و شگری احمدی، ۱۳۸۱: ۱۹).

از میان ابعاد سه گانه، نوع اول یا کنش بیانی؛ کنشی پایه‌ای، ثابت، ضروری و ایجاد کننده ساختار کنش‌گفتاری است که پس از تحقق آن دو مورد دیگر متحقق می‌شوند. کنش تأثیری نیز در قالب شعر و متن کمتر قابل بررسی است. از بین این سه نوع، کنش منظوری بیشتر از همه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع، اصطلاح کنش کلامی به معنای اخص آن صرفاً به توان منظوری - اطلاق می‌شود (نک: یول، ۱۳۸۳: ۷۵-۶۸).

به طور کلی تمام اشکال بیان شامل نوعی کنش گفتاری می‌باشد که دو نوع کاربرد می‌توان برای آنها در نظر گرفت که مربوط به «توان منظوری» گزاره‌هاست. گاه سخن کنش کلامی مستقیم^۴ است زیرا معنی جمله و منظور گوینده با هم سازگار می‌شوند مثل آنکه کسی مطلبی را نمی‌داند و از فرد دیگری می‌خواهد که اطلاعاتی را در اختیار او بگذارد مانند آیا شما رانندگی می‌دانید؟ در این گزاره صورت زبانی پرسش با نقش مفهومی آن که سؤال کردن به قصد اخبار است هماهنگ است. در موارد دیگر سخن می‌تواند کنش کلامی غیرمستقیم^۵ باشد مثلاً چنانچه گفته شود می‌توانی در را ببندی؟ به ظاهر پرسش درباره توان شنونده است اما در واقع مفهوم خواهش و درخواست دارد (نک: داد، ۱۳۸۲: ۴۶۹). هرگاه یکی از صورت‌های زبانی امر، پرسش، خبری در نقش و کارکردی غیر از فرمان، سؤال و اخبار به کار رود، آن یک کنش گفتاری غیرمستقیم خواهد بود (نک: یول، ۱۳۷۸: ۲۰۷-۲۰۶ و اوگریدی، ۱۳۸۴: ۳۰۵-۳۰۴).

توجه به این مطلب ضروری است که هر یک از گزاره‌های فوق، به طور مثال یک گزاره پرسشی در موقعیت و بافت‌های مختلف مفاهیم و کاربردهای گوناگونی خواهد داشت. در استفاده روزمره زبان، انطباق مؤلفه‌های دستوری با مقوله‌های مفهومی و معنایی کمتر مشاهده می‌شود و کنش کلامی مستقیم بیشتر استعمال می‌شود اما در دنیای شعر از بیان مستقیم احتراز می‌شود و گزاره‌های زبانی در سطحی بالاتر از سطح معنای تحت‌اللفظی اظهار می‌شوند که در این نوع کاربرد زبان، کارایی ارتباطی و توانش معنایی بیشتری را می‌توان برای آنها قائل شد. برای جملات پرسشی کارکردهای مختلفی نیز ارائه شده است (نک: شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۱). اما کارکردهای غیر مستقیم بیشتر با توجه به بستر مفهومی و فضای شعر تعیین می‌شود.

در ادامه مقاله مفاهیم ضمنی مسلط کنش کلامی پرسش، کارکرد و شیوه استفاده امین‌پور از این مقوله زبانی تحلیل و بررسی شده است.

۵ - ۱- مفاهیم ضمنی

گلایه از روزگار و اظهار عجز

۴. Direct speech act
۵. Indirect speech act

با تحول اجتماعی که پس از پایان جنگ پدیدار گشت شاعر خود را در برابر جهانی عینی، خشن، بی‌عاطفه و تردیدآمیز می‌بیند حال آنکه او سال‌ها در حماسه زیسته است - حماسه‌ای که قصه قوم و قبیله است نه لالایی و خلسه فرد - از این رو نگاه شاعر به این دگرگونی‌ها دردی سنگین برایش به ارمغان می‌آورد (نک: فتوحی، ۱۳۷۳: ۱۰) که به صورت گسترده در قالب شکایت از رویدادهای روزگار در اشعارش بازتاب می‌یابد.

- آمدم یک دم مهمان دل خود باشم ناگهان سوگ شد این سور شب عید چرا؟ (امین‌پور: ۱۳۹۰: ۷۹).

- صاف بود و ساده و شفاف، عین آینه آه این آینه کی غرق غبار و گرد شد؟ (همان: ۴۸).

- هر چند که سبز بود از شاخه فتاد این رسم کدام برگ پاییزی بود؟ (همان: ۴۴۲).

- این دل به کدام واژه گویم چون شد؟ کز پرده برون و پرده دیگرگون شد (همان: ۴۴۳).

امین‌پور در شعر «نشانه پرسش» سؤالاتی را به طور متوالی مطرح می‌کند و کنش کلامی پرسش در این شعر به طور غیرمستقیم مفهوم شکایت و ناراضی از سیر دوران را القا می‌کند و شاعر ناتوانی خود از دانستن پاسخ پرسش‌ها را اظهار می‌کند.

- چرا همیشه همین است آسمان و زمین؟ زمان همواره همان و زمین همیشه همین؟

اگر چه پرسش بی‌پاسخی است، می‌پرسم: چرا همیشه چنان و چرا همیشه چنین؟

چرا زمین و زمان بی‌امان و بی‌مهرند؟ زمان زمانه قهر و زمین زمینه کین؟

اگر که چون و چرا با خدا خطاست، چرا چرا سؤال و جواب است روز بازپسین؟

چرا در آخر هر جمله‌ای که می‌گویم تو ای نشانه پرسش نشسته‌ای به کمین؟ (همان: ۵۳).

بیت‌های شعر «چرا چنین؟» دارای کنش کلامی پرسش است که شاعر به طور کلی از تبعیض‌ها و رویدادهای مختلف مانند گذار سال و ماه، دلتنگی، داغ و اندوه زمانه، سرگذشت و شرح حال خود، و... گله‌مند است.

- بغض‌های کال من چرا چنین؟ گریه‌های لال من چرا چنین؟...

دل مجال پایمال درد بود تنگ شد مجال من، چرا چنین؟...

داغ تازه تو داغ کاغذی داغ دیرسال من، چرا چنین؟

در گذشته، سرگذشتم این نبود حال، شرح حال من، چرا چنین؟... (همان: ۳۱۳-۳۱۲).

شعر «فراخوان» بیان یک پرسش انتقادی است را که ناراضی از شرایط و اوضاع روزگار در آن قابل مشاهده است دهد، همچنین تأکیدی است بر مضمون درد و رنج که بسامد بالایی در اشعار امین‌پور دارد (نک: گرجی، ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۰۹).

- مرا / به جشن تولد فراخوانده بودند / چرا / سر از مجلس ختم / در آوردم؟ (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱).

دو جمله پرسشی، ساختار شعر «آهنگ ناگزیر» را می‌سازد. شاعر به خوبی از قدرت زبان استفاده کرده است کنش سؤالی با کارکرد دوگانه پرسش و پاسخ ذکر شده است. پرسش دوم در واقع پاسخ پرسش اول است و در ضمن جوابی سرد و سنگین، حکم دادگاهی را می‌ماند که شاعر را به غمی ابدی محکوم کرده است، خواننده را نیز به تفکر دعوت می‌کند و از جبر حاکم بر زندگی شکایت دارد.

- اما چرا / آهنگ شعرهایت تیره / و رنگشان / تلخ است؟ / وقتی که بره‌ای / آرام و سر به زیر / با پای خود به مسلخ تقدیر ناگزیر / نزدیک می‌شود / زنگوله‌اش چه آهنگی / دارد؟ (همان: ۲۲).

تعظیم و شکوه

شاعر در تمجید رویایی که در سر دارد می‌گوید:

از آسمان به دامنم افتاده آفتاب؟ (همان: ۴۴).

همچنین در بیان عظمت و افزودن بر تأثیر کلام، از پرنسش با تأکید بر معنای ضمنی آن استفاده کرده است: این جزر و مد چیست که تا ماه می‌رود؟ / دریای درد کیست که تا چاه می‌رود؟ / امشب فرو افتاده مگر ماه از آسمان / یا آفتاب روی زمین راه می‌رود؟ (همان: ۳۴۵).

تأکید

کنش کلامی پرسش برای ارائه مفهوم تأکید در قالب دو نوع استفهام انکاری و تقریری به کار رفته است که به ترتیب به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

- درد اگر مرد است با دل راست رویارو شود پس چرا از پشت سر خنجر زد و نامرد شد؟ (همان: ۴۹).

- نه من پر کنم جای همچون تویی را کجا پر شود جای گردی به گردی؟

گذشتن ز سر، سرگذشتی است خونین دلا کی تو این ره به زردی نوردی؟ (همان: ۳۹۸).

- در مجلس سوگ تو، تو را کی بینیم؟ کوریم و به جشن آفتاب آمده‌ایم (همان: ۴۳۲).

- چگونه پا ز گل بردارد اشتر که با خود باری از سر دارد اشتر؟ (همان: ۳۶۵).

- دست عشق از دامن دل دور باد! می‌توان آیا به دل دستور داد؟

می‌توان آیا به دریا حکم کرد که دلت را یادی از ساحل مباد؟

موج را آیا توان فرمود: ایست! باد را فرمود: باید ایستاد؟ (همان: ۳۴).

- روزی شبیه فردا / روزی درست مثل همین روزهای ماست / اما کسی چه می‌داند؟ (همان: ۲۵۲).

در شعر «اگر عشق نبود» به طور متوالی پرسش‌هایی مطرح شده است که ضمن ایجاد تفکر در ذهن خواننده بر معنای ثانویه اهمیت و ضرورت عشق در زندگی و توأم بودن درد و عشق تأکید کرده است:

- از غم خبری نبود اگر عشق نبود / دل بود ولی چه سود اگر عشق نبود؟..
 از آینه‌ها غبار خاموشی را / عکس چه کسی زدود اگر عشق نبود؟
 در سینه هر سنگ دلی در تپش است / از این همه دل چه سود اگر عشق نبود؟
 بی‌عشق دلم جز گرهی کور چه بود؟ / دل چشم نمی‌گشود اگر عشق نبود
 از دست تو در این همه سرگردانی / تکلیف دلم چه بود اگر عشق نبود؟ (همان: ۳۰۸).

در شعر «چیستان» کنش پرسش در تأکید بر القای پیام ناگزیر بودن زندگی از مفهوم عشق به کار گرفته شده است و در کل اشعار توان منظوری یکسانی وجود دارد (استفهام تقریری).

- ما گنه‌کاریم، آری، جرم ما هم عاشقی است / آری اما آنکه آدم هست و عاشق نیست کیست؟
 زندگی بی‌عشق، اگر باشد، همان جان کندن است / دانش‌گام به دم جان کندن ای دل کار دشواری است، نیست؟
 (همان: ۵۴).

- نه چندان بزرگم / که کوچک بیابم خود را / نه آنقدر کوچک / که خود را بزرگ ... / گریز از میانمایی / آرزوی بزرگ است؟ (همان: ۲۶).

ملامت

- چرا عاقلان را نصیحت کنیم؟ (همان: ۶۳).

- من کجا حق دارم / مشق‌هایم را / روی کاغذهای باطله با خود ببرم؟ (همان: ۳۷۶).

- مگر موج دریا ز دریا جداست / چرا بر یکی حکم کثرت کنیم؟

- وجود تو چون عین ماهیت است / چرا بحث معلول و علت کنیم؟..

- برادر چه شد رسم اخوانیه؟ / بیا یاد عهد اخوت کنیم (همان: ۶۴).

- سایه سنگ بر آئینه خورشید چرا؟ / خودمانیم، بگو این همه تردید چرا؟

- نیست چون چشم مرا تاب دمی خیره شدن / طعن و تردید به سرچشمه خورشید چرا؟ (همان: ۷۸).

- ای عقل که وامانده صدها رازی / تا چند به چون و چند می‌پردازی؟ (همان: ۴۳۵).

تعجب و حیرت

- باورم نمی‌شود کی کسی شنیده است / زیر خاک گم شوند قلعه‌های استوار؟ (همان: ۸۱).

- طالع تیره‌ام از روز ازل روشن بود / فال کولی به کفم خط خطا دید چرا؟

- من که دریا دریا غرق کف دستم بود / حالیا خسرت یک قطره که خشکید چرا؟ (همان: ۷۸).

- گفتم این عید به دیدار خودم هم بروم
- تو گونهٔ یک شهید را بوسیدی؟
- کس در سفر کدام منظومه شنید
- شهیدان همچو آب چشمه پاکاند
- در کوچه‌های کوفه صدای عبور کیست؟
- چه رفت آن روز در اندیشهٔ نی
- این چیست میان تو و پروانه و شمع
- صدای کیست؟ خدایا درست می‌شنوم؟

- دوباره بوی صدای بلال می‌آید (همان: ۳۹۶).
- ما زایر ضریح شما هستیم / اما شما / این گونه در طواف که هستید؟ (همان: ۳۱۹-۳۱۸).
- با خودم چه کرده‌ام؟ من چگونه گم شدم؟... (همان: ۳۸).

تعمق و تفکر

- راستی چه کرده‌ام؟... (همان: ۳۸).
- دیروز / ما زندگی را / به بازی گرفتیم / امروز، او / ما را... / فردا؟ (همان: ۳۳۹).
- شاعر برای ایجاد آگاهی و تنبیه از تفاوت بسیار بین دو نوع احساس درد و تفکر در آن از کنش پرسش بهره گرفته است که بر تأثیرگذاری کلامش نیز افزوده است.
- دردهای پوستی کجا؟ / درد دوستی کجا؟ (همان: ۲۴۲).
- ساختار شعر کوتاه «کودکان کربلا» یک کنش پرسشی است که به صورت تلویحی مخاطب را به تفکر و تعمق فرامی‌خواند و در ذهن خواننده پاسخی منفی نسبت به این سؤال شکل می‌گیرد.
- راستی آیا / کودکان کربلا، تکلیفشان تنها / دائماً تکرار مشق آب! آب! / مشق بابا آب بود؟ (همان: ۲۰).

بیان آرزو

- شاعر آرزوی پیوستن به گروه عاشقان و پناه یافتن را در قالب کنش سؤالی مطرح می‌کند.
- ای تمام عاشقان هر کجا! / از شما سؤال می‌کنم: / نام یک نفر غریبه را در شمار نام‌هایتان اضافه می‌کنید؟... / زیر سایبان دست‌های خویش جای کوچکی به این غریب بی‌پناه می‌دهید؟... / این لجوج دیرباور عجیب را در میان خویش / راه می‌دهید؟ (همان: ۲۶۳-۲۶۲).
- در شعر دیگر شاعر خود را در شمار عاشقان می‌داند و با کنش پرسش در تمنای آسایش و آرامش است:

- واحه‌های دور دست دل کجاست تا بیاساییم در خود یک نفس؟ (همان: ۳۰۶).

در جای دیگر شاعر از چیزی که آرزویش را دارد پرسش می‌کند و در مصرع دوم به صورت تلویحی ناامیدی خود را از رسیدن بیان کرده است:

- کی می‌شود روشن به رویت چشم من کی؟ وقت گل نی بود هنگام رسیدن؟ (همان: ۷۲).

- خوشه گندم پس از دی می‌رسد داس تو افسوس، پس کی می‌رسد؟ (همان: ۴۱۲).

- چه اشکال دارد پس از هر نماز دو رکعت گلی را عبادت کنیم؟

چه اشکال دارد که در هر قنوت دمی بشنو از نی حکایت کنیم؟

چه اشکال دارد که در آیینه‌ها جمال خدا را زیارت کنیم؟ (همان: ۶۴-۶۳).

تردید

- آیا / بر شانه‌های ما / این فوج پر شکسته شمايید؟ / یا نه / این خیل خسته مايیم / کاین گونه سر بلند بر شانه نجیب شمايیم؟ (همان: ۳۱۹).

- این منم در آینه یا تویی برابرم؟ (همان: ۳۷).

- زاییده چشم ماست زیبایی؟ یعنی که جمال در نظر این است؟

- یا چشم خود از جمال می‌زاید معنای بصیرت و بصر این است؟ (همان: ۷۶).

- هر شب ز چشم تو نظری چشم داشتیم دارد دعای ما اثری پیش چشم تو؟ (همان: ۴۷).

۵-۲- کاردکرها

برجسته‌سازی

در ابتدای برخی اشعار از کنش کلامی پرسش استفاده شده و همان پرسش در لابه لای روایت شعر نیز تکرار شده است در این موارد جمله‌های پرسشی کارکرد برجسته‌سازی دارند و بر اهمیت موضوع می‌افزایند همچنین به طور ضمنی خواننده را به خواندن ادامه شعر ترغیب می‌کنند.

- در میان آفتاب و دل / مرز مشترک کجاست؟... مرز شرقی دلم کجاست؟ (همان: ۲۴۵).

در شعر «باران زرد» به طور آشکار خواننده با یک جمله پرسشی به خواندن شعر دعوت می‌شود:

- اخبار تازه را شنیده‌ای؟ (همان: ۳۳۱).

عنوان شعر «این سبز سرخ کیست؟» جمله‌ای سؤالی است که بلافاصله در آغاز شعر نیز چند کنش کلامی از این نوع تکرار می‌شود و دارای کارکرد ترغیبی‌اند و در عین حال موضوع مورد نظر شاعر را نیز برجسته کرده‌اند.

- این سبز سرخ کیست؟ / این سبز سرخ چیست که می‌کارید؟ (همان: ۳۸۰).

مثنوی «فصل وصل» نیز با کنشی سؤالی شروع می‌شود و به منزله فراخوانی است برای خوانش شعر

- فصل، فصل خیش و فصل گندم است / عاشقان این فصل، فصل چندم است؟ (همان: ۴۱۰).

گزاره‌های پرسشی شعر «پرسش» نشان‌دهنده شاعریست که با زندگی خشک و بی‌روح شهری مأنوس نمی‌شود و دلتنگ ساده‌زیستی روستاست. در کشاکش همین سؤالات آرمانگرایی شاعر تعدیل یافته و به سوی واقع‌گرایی سوق می‌یابد.

پایان بندی

در شماری از اشعار، جملات پرسشی برای پایان‌بندی شعرها مورد استفاده قرار گرفته است. در این موارد کنش پرسش دارای کارکردهایی چون ایجاد مشارکت خواننده در امر تولید معنا، تأثیرگذاری کلام، افزایش توان منظوری شعر و... است همچنین شاعر در طرح این پرسش‌ها «قصد دارد به هست‌هایی که نباید، و به باید‌هایی که نیست، اشاره کند و با طرح این پرسش خواننده را به تفکر و کشف وادار کند» (نیک‌منش و مقیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

در شعر «درد واره‌ها» از کنش کلامی پرسش برای پیشبرد روایت و پایان‌بندی شعر استفاده شده است:

- ... دست سرنوشت / خون درد را / با گلم سرشته است / پس چگونه سرنوشت ناگزیر خویش را رها کنم؟ / درد/ رنگ و بوی غنچه دل است / پس چگونه من زنگ و بوی غنچه را ز برگ‌های توبه توی آن جدا کنم؟ / ... شعر تازه مرا درد گفته است / درد هم شنفته است / پس در این میانه من / از چه حرف می‌زنم؟ / درد، حرف نیست / درد نام دیگر من است / من چگونه خویش را صدا کنم؟ (امین‌پور: ۲۴۴-۲۴۳).

- من سال‌های سال مُردم / تا اینکه یک دم زندگی کردم / تو می‌توانی / یک ذره / یک مثقال / مثل من بمیری؟ (همان: ۲۹).

- ... آیا همین که گفتم / یعنی / همین که / گفتم؟ (همان: ۲۷).

- ... ای چرا و ای چگونه عزیز! / جرأت سؤال من چرا چنین؟ (همان: ۳۱۳).

پیشبرد روایت شعر

- دلتنگ غنچه‌ایم، بگو راه باغ کو؟ / خاموش مانده‌ایم، خدا را چراغ کو؟

کو کوچه‌ای ز خواب خدا سبزتر، بگو / آن خانه کو، نشانی آن کوچه باغ کو؟

چشم و چراغ خانه ما داغ عشق بود / چشمی که از چراغ بگیرد سراغ کو؟

دل‌های خویش را به گواهی گرفته‌ایم / اما در این زمانه خریدار داغ کو؟

شب در رسید و قصه ما هم به سر رسید

کو خانه‌ای برای رسیدن کلاغ کو؟ (همان: ۱۷۸).

در این اشعار نیز کنش پرسش، دارای کارکرد پیشبرد جریان روایی شعر است (نک: همان: ۵۰۴ - ۵۰۳ و ۳۱۳ - ۳۱۲، ۳۰۸، ۲۲۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۴۵، ۱۱۱، ۷۸، ۶۵ - ۶۳، ۵۴، ۵۲، ۲۷، ۲۶، ۲۲، ۲۱، ۲۰).

جدول شماره ۱: کنش کلامی پرسش در مجموعه شعر «به قول پرستو»

مفهوم و کارکرد مسلط ضمنی	کنش کلامی پرسش
آرزو	<p>- آه، آیا می‌توان آغاز کرد/ باز این راه به پایان برده را؟ می‌توان در کوچه‌ها احساس کرد/ باز بوی خاک باران خورده را؟ می‌توان یک بار دیگر باز هم/ بال‌های کودکی را باز کرد؟ چشم‌ها را بست و بر بال خیال/ تا تماشای خدا پرواز کرد؟ (امین‌پور: ۵۵۶-۵۵۵). - چه شد آن روزهای بهاری؟ (همان: ۵۰۴).</p>
تعجب و شگفتی	<p>- گفتمش: پس آن خدای خشمگین/ خانه‌اش این جاست؟ این جا روی زمین؟ (همان: ۵۴۳). ۱۳-۱۵ شهریور ۹۲ تمام زمین جای جولان توست / بگو جا برای تو تنگ است باز؟ نه تنها زمین آسمان مال توست / نیازی به شمشیر و جنگ است باز؟ (همان: ۵۳۰).</p>
شکایت و نارضایتی	<p>- چرا مردم قفس را آفریدند؟ / چرا پروانه را از شاخه چیدند؟ چرا پروانه‌ها را پر شکستند؟ / چرا آوازه‌ها را سربردند؟ چرا نیلوفر آواز بلبل / به پای میله‌های سرد پیچیدند؟ چرا آواز غمگین قناری / درون سینه‌اش از درد پیچید؟ چرا در پشت میله خط خطی شد؟ / صدای صاف آواز قناری؟ چرا لای کتابی، خشک کردند / برای یادگاری پیچکی را؟ به دفترهای خود سنجاق کردند / پر پروانه و سنجاقی را؟ (همان: ۵۰۴-۵۰۳). - در این آسمان و زمین بزرگ / مگر یک وجب جا برای تو نیست؟ مگر شاخ یا دم در آورده‌ای / که جای دم و شاخ‌های تو نیست؟ هوای تنفس در این جا کم است؟ / و یا آب و نانش به اندازه نیست؟ برای تو خورشید و ماهش کم است؟ / و یا کهکشانش به اندازه نیست؟ (همان: ۵۳۰).</p>
تفکر و مشارکت خواننده	<p>- گفتگوی غنچه و گل از درون باغچه / باز هم به گوش می‌رسد... تو چه فکر می‌کنی؟ / راستی کدام یک درست گفته‌اند؟ (همان: ۵۰۶-۵۰۵). - حس گل در شکفتن چگونه است؟ (همان: ۵۰۹).</p>
کارکرد برجسته‌سازی	<p>- چیست تعبیر خواب آنها چیست؟ (همان: ۵۲۶). - چه شد؟ خاک از خواب بیدار شد / چه شد؟ باز انگار آتش گرفت؟ (همان: ۵۰۷).</p>

جدول شماره ۲: کنش کلامی پرسش در مجموعه شعر «مثل چشمه مثل رود»

مفهوم و کارکرد مسلط ضمنی	کنش کلامی پرسش
شکایت و نارضایتی	<p>- چرا این اتفاق شوم افتاد؟ / که خرمن‌های ما را داد بر باد؟ خروس روستامان رفت در خواب؟ / و یا بانگ اذان را برد از یاد؟ (همان: ۴۹۶-۴۹۵).</p> <p>- پس پدر کی ز جبهه می‌آید؟ ... / کی بهار و شکوفه می‌آیند؟ گفت: ای غنچه‌های خوب، چرا / لب‌تان را ز خنده می‌بندید؟ (همان: ۴۷۷-۴۷۶).</p> <p>- آی گلها، چرا نمی‌خندید؟ (همان: ۴۷۷).</p> <p>- در گوش من دیگر صدای زنگ نمی‌آید؟ (همان: ۱۱۲).</p>
تعجب و شگفتی	<p>- مگر راز حیات جاودان را / تو از فهمیده‌ها فهمیده بودی؟ (همان: ۴۸۴).</p> <p>- که بود از دور گلها را صدا کرد / که از خواب زمستانی پریدند؟ (همان: ۴۷۱).</p>
تفکر و مشارکت خواننده	<p>- که گل را داد دستور دمیدن؟ / به آهو داد فرمان رمیدن؟ درخت میوه دور از دسترس بود / که داده شاخه را درس خمیدن؟ (همان: ۴۷۱).</p>
کارکرد برجسته‌سازی	<p>- که بود از دور آمد بار دیگر؟ (همان).</p> <p>که بود از دور آمد؟ آشنا بود ... / چه فصلی؟ فصل گلگون بهار است (همان: ۴۷۲).</p>

جدول شماره ۳: کنش کلامی پرسش در مجموعه شعر «گل‌ها همه آفتابگردانند»

مفهوم و کارکرد مسلط ضمنی	کنش کلامی پرسش
شکایت و نارضایتی	<p>- هر دم دردی از پی دردی ای سال! / با این تن ناتوان چه کردی ای سال؟ (امین‌پور: ۲۲۱).</p> <p>- این کوره روده‌های گل آلود از کجاست؟ / کو چشمه عمیق و زلالی که داشتیم؟ حال غزال بود و مجال غزل مرا / آن حال کو؟ کجاست مجالی که داشتیم؟ (همان: ۲۲۲).</p> <p>- کشت تقدیر تو ما را به که باید گفت؟ / مردم از درد خدا را به که باید گفت؟ سرنوشتم اگر این است که می‌بینم / حکم تغییر قضا را به که باید گفت؟ آی خط خوردگی صفحه پیشانی! / این همه خط خطا را به که باید گفت؟ مو به مو حادثه بارید به هر بندم / تیر باران بلا را به که باید گفت؟ هر نفس آهی و هر آینه اشکی شد / وضع این آب و هوا را به که باید گفت؟ ... (همان: ۲۲۶-۲۲۵).</p> <p>- چشم و چراغ خانه ما داغ عشق بود / چشمی که از چراغ بگیرد سراغ کو؟ دل‌های خویش را به گواهی گرفته‌ایم / اما در این زمانه خریدار داغ کو؟ ... (همان: ۱۷۸).</p>

<p>- گفתי غزل بگو! چه بگویم؟ مجال کو؟ / شیرین من، برای غزل شور و حال کو؟... تقویم چار فصل دلم را ورق زدم / آن برگ‌های سبز سر آغاز سال کو؟.... رفتیم و پرسش دل ما بی جواب ماند / حال سؤال و حوصله قیل و قال کو؟ (همان: ۱۹۹).</p> <p>- چرا باز هم غم؟ / چرا باز دلشوره‌های دمام؟ (همان: ۱۶۷).</p> <p>- سه‌شنبه؛ چرا تلخ و بی‌حوصله؟ / سه‌شنبه؛ چرا این همه فاصله؟ (همان: ۱۶۶).</p>	
<p>- حرف‌ها دارم اما... بزنم یا نزنم؟ / با توام، با تو! خدا را! بزنم یا نزنم؟ همه حرف دلم با تو همین است که دوست / چه کنم؟ حرف دلم را بزنم یا نزنم؟ عهد کردم دگر از قول و غزل دم نزنم / زیر قول دلم آیا بزنم یا نزنم؟ (همان: ۲۰۲-۲۰۱).</p>	<p>تردید</p>
<p>- بیش از این خواستم، ولی چه کنم؟ / چه کنم؟ چون نمی‌توانستم (همان: ۲۲۳).</p>	<p>اظهار عجز</p>
<p>- دل‌تنگ غنچه‌ایم، بگو راه باغ کو؟ / خاموش مانده‌ایم، خدا را چراغ کو؟ کو کوچه‌ای ز خواب خدا سبزتر، بگو / آن خانه کو، نشانی آن کوچه باغ کو؟ (همان: ۱۷۸).</p> <p>- کی می‌شود به روی تو روشن چراغ چشم؟ (همان: ۲۲۲).</p>	<p>آرزو</p>
<p>- ما که این همه برای عشق / آه و ناله دروغ می‌کنیم / راستی چرا / در رثای بی‌شمار عاشقان / - بی‌دریغ - / خون خویش را نثار عشق می‌کنند / از نثار یک دریغ هم / دریغ می‌کنیم؟ (همان: ۱۲۹).</p>	<p>ملامت</p>
<p>- پیشینیان با ما / در کار این دنیا چه گفتند؟ (همان: ۱۱۰).</p> <p>- ای غم، تو که هستی از کجا می‌آیی؟ (همان: ۱۸۴).</p> <p>- پس کجاست؟ (همان: ۱۴۳-۱۴۴).</p> <p>- گفت: احوالت چطور است؟ (همان: ۱۶۱).</p>	<p>کارکرد برجسته‌سازی</p>
<p>- ... لحظة دیگر اما / تا کجا باد؟ / تا کی؟ (همان: ۱۴۲).</p> <p>- ... پس کجاست؟ / یادداشت‌های درد جاودانگی؟ (همان: ۱۴۴).</p> <p>- ... کو؟ / کجاست راه؟ (همان: ۱۵۹).</p> <p>- ... به هفت آسمان تو / یک دره بر می‌خورد؟ (همان: ۱۶۲).</p> <p>- ... در گوش من / دیگر صدای زنگ نمی‌آید؟ (همان: ۱۱۲).</p>	<p>کارکرد پایان‌بندی</p>

بررسی‌های فوق نشان می‌دهد: مجموعه «تنفس صبح» از مجموع ۷۹ قطعه شعر، در ۱۷ شعر آن ۲۱ کنش سوالی (۲۱/۵۱٪) وجود دارد، مجموعه «دستور زبان عشق» از مجموع ۶۸ شعر ۵۹ کنش پرسشی در ۲۲ قطعه شعر (۳۲/۳۵٪) آن طرح شده است، مجموعه شعر «آینه‌های ناگهان» ۷۰ قطعه دارد و ۴۸ کنش کلامی پرسش در ۱۳ قطعه شعر (۱۸/۵۷٪) آن مورد استفاده قرار گرفته است. این آمار و تحلیل‌ها حاکی از این است که امین‌پور وقتی از

کنش‌پرسش در شعری استفاده می‌کند تقریباً بیشتر ساختار روایی شعر را بر پایه پرسش بنا می‌نهد و به طور متوالی گزاره‌های پرسش را با مفاهیم گوناگون در یک قطعه شعرش تکرار می‌کند.

با توجه به جدول‌های شماره ۱ تا ۳ معلوم می‌شود: از مجموع ۹۰ قطعه شعر در دفتر «گل‌ها همه آفتابگردانند» تعداد ۲۸ قطعه شعر دارای ۷۴ کنش پرسش (۳۱/۱۱٪)، در دفتر «به قول پرستو» ۱۰ شعر از ۱۹ قطعه شعر ۳۲ گزاره پرسشی وجود دارد (۵۲/۶۳٪)، در مجموعه شعر «مثل چشمه مثل رود» از کل ۲۰ شعر ۱۶ کنش کلامی پرسش در ۱۷ قطعه شعر ذکر شده است (۲۵٪).

۶- کنش کلامی مستقیم

همان طور که اشاره شد از نظر آستین و گرایس کنش‌های کلامی به دو گروه کنش‌های صریح و ضمنی تقسیم‌بندی می‌شوند. در کنش‌های صریح یا مستقیم بین معنای ارائه شده از سوی گوینده و مفهومی که برداشت می‌شود تمایزی وجود ندارد و گزاره‌های خبری، پرسشی و امری مفهوم خبر، سؤال و فرمان را می‌رسانند و نقش دستوری و مفهومی در آنها یکسان است به عنوان مثال وقتی گوینده می‌گوید که S همان P است از نظر مفهومی نیز از کنشی که مطرح شده همین منظور درک می‌شود (نک: آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۳-۲۹). این نوع کنش‌ها در شعر بار معنایی و کاربرد مستقیم دارند و کمتر می‌توانند ذهن خوانندگان را درگیر مفاهیم گوناگون کنند و تأکید این نوع کنش‌ها بیشتر بر ایجاد تفکر است.

- دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه چیست؟ (همان: ۳۰۴).

- این حرف‌های داغ دلم را / دیوار هم توان شنیدن نداشته است / آیا تو را توان شنیدن هست؟ (همان: ۳۸۸).

- دیدار تو را همه نشانی دادند / ای در همه جا، کجاست پس خانه تو؟

- آیا همین که گفتم / یعنی / همین که / گفتم؟ (همان: ۲۷).

- در من این غریبه کیست؟ (همان: ۳۷).

- چه غربتی است، عزیزان من کجا رفتند؟ تمام دوروبرم پر ز جای خالی‌ها (همان: ۶۰).

- هر جا که سر زدم همه در مرز بودن است / کو مرز تازه‌ای که فراتر ز بودن است؟ (همان: ۳۹۵).

۷- نتیجه‌گیری

این بررسی نشان می‌دهد کنش کلامی پرسش در اشعار امین‌پور کاربرد فراگیری دارد و با چشم‌اندازهای مفهومی و توان منظوری بالا مورد استفاده قرار گرفته است. مشخص می‌گردد که امین‌پور نسبت به قابلیت‌های زبانی بی‌توجه نیست و از امکانات زبانی به خوبی بهره‌گرفته است همچنین از ویژگی‌های بارز کنش پرسش در شعرهای او این است که نگره‌های مختلف فلسفی، احساسی و عاطفی را در بافتاری ساده و همه‌فهم از زبان و جملات و به دور از تسلف و

پیچیدگی ارائه کرده است. همین‌طور توانش معنایی کنش‌های پرسشی از توان ارتباطی بالای اشعار حکایت می‌کند که از دلایل محبوبیت و مقبولیت اشعار او نزد طیف مختلف خوانندگان است.

کنش کلامی پرسش از شگردهای زبانی اشعار امین‌پور است که به صورت‌های مختلف در اشعارش انعکاس یافته است:

۱- در عنوان اشعار؛ چرا چنین؟، این سرخ سبز کیست؟، این چیست؟، عشق چه می‌گفت؟، به که باید گفت؟، ای گل‌ها چرا نمی‌خندید؟ (برجسته‌سازی)

۲- در بیت یا بند آغازی شعر برای نشان دادن اهمیت موضوع مورد نظر و ترغیب خواننده به قرائت تمام شعر. (برجسته‌سازی)

۳- پایان‌بندی اشعار و ایجاد تعمق و تفکر.

۴- مشارکت خواننده در امر خواندن و تولید معنا توأم با افزایش تأثیرگذاری کلام که بیشتر معطوف به معانی، فلسفی و احساسی است.

امین‌پور به طور هنرمندانه از کنش کلامی پرسش برای اهداف غیرپرسشی بهره جسته است. از بین مفاهیم مسلطی که از کنش‌های سؤالی دریافت می‌شود پیام شکایت و نارضایتی از روزگار، طرح پرسش برای ایجاد تفکر در ذهن خوانندگان و اظهار عجز از پاسخ‌گویی به سؤالات پرسامدتر است و مفاهیم تعظیم و شکوه، تردید، آرزو، ملامت به طور ضمنی کمتر اظهار شده است. نکته قابل توجه این که، مقوله پرسش در هیچ موردی گویای مفاهیمی تلویحی امید، اشتیاق و شادی، طنز و نیست این امر را می‌توان این‌گونه تفسیر و تعبیر نمود که امکانات زبانی، و به طور اخص گزاره‌های پرسشی با مضامین اشعار امین‌پور چون دلتنگی، اندوه، یأس و ناامیدی و سرگشتگی کارکرد مکملی و یکسانی دارند که فضای آثار را بهتر و برجسته‌تر انعکاس می‌دهند.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵) *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- آکماچین، آندرین و دیگران (۱۳۷۵) *زبان‌شناسی (درآمدی بر زبان و ارتباط)*، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، کرمانشاه: طاق بستان، چاپ اول.
- اقتصادی‌نیا، سایه (۱۳۸۶) «مروری بر کارنامه قیصر امین‌پور» *نامه فرهنگستان*، ش ۹، پیاپی ۳۶، صص ۱۴۹-۱۳۸.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۹۰) *مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور*، تهران: مروارید، چاپ هفتم.
- اوگریدی، ویلیام (۱۳۸۴) *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*، ترجمه علی درزی، تهران: سمت، چاپ دوم.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵) *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی سرخابی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بی‌رویش، مانفرد (۱۳۷۴) *زبان‌شناسی جدید*، ترجمه محمد رضا باطنی، تهران: آگاه، چاپ چهارم.

داد، سیما (۱۳۸۲) *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید، چاپ اول (ویرایش جدید).

رحیمیان، جلال و شکری احمدآبادی، کاظم (۱۳۸۱) «نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۱، تابستان (ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی)، صص ۳۴ - ۱۷.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۴) *معانی*، تهران: میترا، چاپ نهم.

صفوی، کورش (۱۳۷۷) *زبان‌شناسی و ادبیات (تاریخچه چند اصطلاح)*، تهران: هرمس، چاپ اول.

ضیمران، محمد (۱۳۸۳) *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*، تهران: قصه، چاپ دوم.

فتوحی، محمود (۱۳۷۳) «نگاهی در آینه‌های ناگهان»، *روزنامه همشهری*، س ۲، ش ۵۰۵، ۳ مهر، ص ۱۰.

گرجی، مصطفی (۱۳۸۷) «بررسی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار قیصر امین‌پور»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، س ۵، ش ۲۰، تابستان، صص ۱۰۷-۱۳۰.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۰) *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه، چاپ چهارم.

نیک‌منش، مهدی و مقیمی، فاطمه (۱۳۸۸) «روش پایان‌بندی در اشعار قیصر امین‌پور»، *ادب‌پژوهی*، ش ۷ و ۸، بهار و تابستان، صص ۱۰۱-۱۲۳.

یارمحمدی، لطف‌اله (۱۳۸۳) *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس، چاپ اول.

یول، جرج (۱۳۸۳) *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر، تهران: سمت، چاپ اول.

(۱۳۷۸) *بررسی زبان*، ترجمه محمود نور محمدی، تهران: رهنما، چاپ دوم.